گفت‌وگو با مردی که به راحتی آدم می‌کشت

دستمزد ۱۵۰ میلیونی برای قتل ۲ برادر

هلیا حضرتی
تپش

به اتهام دو جنایت بازداشت شده؛ مرد جوانی که کارگر کارگاه کابینت‌سازی در جنوب تهران است. او که هرگز تصور نمی‌کرد راز این جنایات فاش شود، وقتی دستبند به دستش خورد و مقابل افسر پرونده‌اش قرار گرفت، مدعی شد به دلیل تحقیرهای قاتل، دست به قتل اول زده است. قتل دوم را هم برای برملا نشدن قتل اول انجام داد، اما در حین ارتکاب قتل دوم بود که ماجرا لو رفت و به دام افتاد. وقتی میثم بازداشت شد، کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت تحقیقات گسترده‌ای انجام دادند و نتایج و مدارک به‌دست آمده از این تحقیقات را وقتی کنار هم قرار دادند، متوجه شدند با اظهارات متناقض مرد جوان جور درنمی‌آید. به همین دلیل بار دیگر در ارتباط با انگیزه میثم از قتل‌هایش پرسیدند و او این بار ادعای دیگری را مطرح کرد. این بار میثم مدعی است برای قتل‌ها اجیر شده و طبق سفارش و دستوری که به او داده‌اند، دو برادر را به قتل رسانده است. این هفته گفت‌وگویی با این متهم داشتیم که در ادامه می‌خوانید.

مقتول را از چه زمانی می‌شناختی؟

خیلی وقت است در کارگاه ما کار می‌کند، البته او سرکارگر بود و مقامش از من که کارگر بودم بالاتر بود.

چه شد که تصمیم به قتل گرفتی؟

صاحب کارگاه دستور قتل او را صادر کرد. گفت اگر مقتول را از سر راه برداری پول خوبی به تو می‌دهم. من کارگر هستم و وضع مالی‌ام خیلی خوب نیست. گرچه ابتدا به این کار راضی نبودم اما وسوسه پولدار شدن باعث شد پا در این راه بگذارم و طبق خواسته او عمل کنم.

اما ابتدا انگیزه‌ات را چیز دیگری مطرح کردی؟

بله، اول گفتم مقتول مرا تحقیر می‌کرد برای این‌که راز اجیرشدنم را برملا نکنم و هویت کسی که عامل این جنایت بود، فاش نشود؛ اما در ادامه تحقیقات دیدم صحنه‌سازی‌هایم برای تیم جنایی منطقی نیست و مجبور شدم در برابر مدارک پلیسی لب به اعتراف باز کنم و واقعیت را بگویم.

قتل اول را چطور انجام دادی؟

از قتل اول تا قتل دوم حدود یک ماه طول کشید. اگر اشتباه نکنم اوایل آبان ماه بود که جنایت اول را مرتکب شدم. آن روز پس از چند روز نقشه کشیدن و طراحی جنایت و هماهنگی با صاحب کارگاه، به بهانه نصب کابینت، سوار ماشین مقتول شدم. در مسیر سلاحی را که از قبل تهیه کردم از جیبم بیرون آوردم و به طرف مقتول که پشت فرمان بود، گرفتم و شلیک کردم. با شلیک من، مقتول تعادلش را از دست داد و با گاردریل خیابان برخورد کرد و خودرو متوقف شد. با همان شلیک اول، او کشته شد و من باید جسد را از آنجا می‌بردم. به همین دلیل با یکی از دوستانم تماس گرفتم و از او خواستم به محل تصادف بیاید تا برای انتقال جسد کمکم کند. مقتول را داخل صندوق عقب خودروی دوستم گذاشتیم و به کارگاه برگشتیم. بعد جسد را داخل کارگاه آتش زدیم و جنازه سوخته را این بار داخل خودرو قرار دادیم و به سمت جاده چالوس رفتیم و در بیابان‌های اطراف چالوس رها کردیم.

چرا جسد را آنجا رها کردید؟

جسد سوخته بود و محل رها کردن آن با محل کارگاه خیلی فاصله داشت. به همین دلیل اگر هم پیدا می‌شد که بعید می‌دانستم در آن بیابان پیدا شود، مشخص شدن هویتش کار خیلی سختی بود. معمولا جسد که پیدا می‌شد در همان محدوده بررسی می‌کنند و ما به جاده چالوس رفتیم که ردی از خودمان به جا نگذاریم.

جسد پیدا شد؟

بله، ظاهرا رهگذری متوجه جسد سوخته می‌شود و پلیس را باخبر می‌کند.

با خودروی مقتول چکار کردی؟

در کنار بزرگراه رها کردم و دیگر سراغش نرفتم.

چرا جنایت دوم را انجام دادی؟

ما هرگز فکر نمی‌کردیم خانواده مقتول سراغش بیایند اما آنها وقتی چند روزی از او بی‌خبر ماندند، یکی از پسرهای‌شان را از شهرستان محل زندگی‌شان به تهران فرستادند تا از برادر گمشده سرنخ و ردی پیدا کند.

ردی هم پیدا کرد؟

اول نه، اما بعد از کمی جست‌وجو از ما خواست دوربین‌های مداربسته کارگاه را ببینند. دیدن دوربین‌ها مساوی بود با برملا شدن راز قتل و به همین دلیل دستور قتل دوم هم صادر شد. به من گفته شد برای این‌که قتل اول برملا نشود، برادر مقتول را هم بکش، اما هنگام جنایت دوم دستگیر شدم.

نقشه قتل دوم چه بود؟

دستور این بود که او را هم مانند برادرش با شلیک گلوله به قتل برسانم. وقتی مقتول دوم وارد کارگاه شد و خواهان بازبینی دوربین مداربسته شد، به سمتش شلیک کردم. اما او زخمی شد و وقتی خواستم دومین تیر را شلیک کنم، تیر در سلاح گیر کرد و شلیک نشد. همزمان با این تیراندازی، کارگرها و افرادی که بیرون بودند متوجه صدای تیر شدند و خودشان را به کارگاه رساندند. سعی کردم مقتول را مخفی کنم اما متوجه صدای ناله او شدند و مرا دستگیر کردند. او را به بیمارستان بردند اما به خاطر شدت جراحات فوت شد.

برای این کار چقدر گرفتی؟

پولی نگرفتم، قرار بر این شد که ۱۵۰ میلیون تومان به عنوان دستمزد بگیرم اما مبلغی به من هنوز پرداخت نشده است.

اما ظاهرا ۲۰ میلیون تومان گرفتی؟

۲۰ میلیون تومان برای خرید سلاح بود. قبل از جنایت به یکی از شهرهای غربی کشور رفتم و سلاح خریدم و به تهران برگشتم.

چرا صاحب کارگاه باید به تو ۱۵۰ میلیون تومان می‌داد تا دست به قتل بزنی؟

نمی‌دانم. هیچ‌وقت از انگیزه‌اش نپرسیدم. او هم بازداشت شده و گرچه منکر اجیر کردن من برای قتل‌هاست، اما خودش دستور این جنایات را داد.

> صاحب کارگاه دستور قتل او را صادر کرد. گفت اگر مقتول را از سر راه برداری پول خوبی بهت می‌دهم. وسوسه پولدار شدن باعث شد پا در این راه بگذارم و طبق خواسته او عمل کنم